

نوروزتان پیروز!

کوروش مدرسی لیبر حزب حکمتیست

و شادتر، هرچه باز تر و علنی تر و ظاهر شدن هرچه آزاد تر برای چند روز هم که شده ما، یعنی انسانیت، را بر جمهوری اسلامی تحمیل خواهد کرد. باشد تا سال ۱۳۸۵ را به سال بنیاد نهان جامعه‌ای که در آن انسان، حق انسان، و شادی و سعادت انسان مبنایست تبدیل کنیم.

شریف جهنم کنند. اما نوروز روز امید، روز شادی است. نوروز باید روزی باشد که عزم میکنیم که به این تباهی، به این غم و اندوه، به این زندگی محنت بار روزی را به روز دیگر رساندن خاتمه میدهیم. مانند سال گذشته اعلام میکنیم که: نوروز روز شادی، روز آرزوهای خوب، روز لباس نو و امید نو، روز امید به دنیای بهتر است. نوروز روز دفن غم و سیاهی است. نوروز جشن انسانیت، شادی و آرزوهای انسانی، مستقل از قومیت، رنگ، نژاد، مذهب و عقیده است. نوروز روز دفن جمهوری اسلامی سمبل غم و تباهی است. این روزها باید کنترل زندگیمان را از دست قوانین خدا و نمایندگان او، جمهوری اسلامی در زمین در آورد. جشن های هرچه وسیعتر

خود را در مقابل جامعه قرار داده است و از طرف دیگر آمریکا همگام با دارنده های قوم پرست و ماجراجو هستی و جامعه ما را در مقابل یکی از خطرناک ترین لحظات تاریخ مان قرار داده است. حمله آمریکا میتواند به مصیبت جمهوری اسلامی ابعاد دهشتناک تری بدهد. تهران را به بغداد نوم و ایران را به عراق نوم در بعدی به مراتب عظیم تر تبدیل کند. شادی، این پایه ای ترین و بییهی ترین حق انسان، هیچگاه اینقدر دور از دسترس به نظر نمی آمد. دنیا هیچگاه اینقدر قابل شاد زیستن نبوده است و هیچگاه اینقدر برای اکثریت مردم جای محنت زائی نبوده است. انگار همه نیرو های تباهی و محنت دست اندرکارند تا دنیا را برای همه انسانهای



مردم آزادیخواه ایران!

از طرف حزب کمونیست کارگری - حکمتیست نوروزتان را تبریک میگویم. امسال در شرایطی به استقبال نوروز میرویم که از یک طرف جمهوری اسلامی احمدی نژاد عصاره ارتجاع، عقب ماندگی و فقر

زنده باد شادی مردم
زنده باد آزادی و برابری
زنده باد سوسیالیسم

کوروش مدرسی
اسفند ۱۳۸۴

پیام نوروزی حسین مراد بیگی
(حمه سور)، دبیر کمیته کردستان
حزب حکمتیست، به مردم کردستان
ص ۲



مرگ میلسوویچ، تعبیر "نظم نوینی!"
(ایرج فرزاد)

زندانیان بسر میبرد. میلسوویچ از مشکل نارسائی قلبی و فشار خون بالا رنج میبرد. دلگناه، از صدور اجازه برای معالجه او خودداری کرد. این هنوز دارد جوانی از موازین "حقوق بشری" مرجعی که دلگناه بین المللی نام دارد را نشان میدهد. حق منتهم و زندانیان و اسیر در این عالیترین دلگناه جامعه بورژوازی

میلسوویچ رئیس جمهور سابق یوگوسلاوی را در سلولش در زندان تحت نظارت دلگناه "بین المللی" هاگ، مرده یافتند. او در هر حال نه توسط مردم یوگوسلاوی، که در نتیجه دخالت نظامی ناتو از قدرت ساقط شده بود و به عنوان یک منتهم "توتالیتار" و بدهکار به دنیای "آزاد" مکرسانی آقای بوش، منتظر محاکمه و در

از تبلیغ پاکسازی قومی تا گورهای جمعی! (عبدالله شریفی)

مردم سندانج هم از حزب دمکرات فتوای شرعی بگیرند که اگر از سر گرسنگی و بیکاری مجبور شدند که سر پناهشان را بفروشند از وظایف ملی تخطئه نکرده باشند و مجرم شناخته نشوند! حق شهروندی هم فدای سر قوم پرستانی که قرار است در سایه ویران کردن جامعه و کشتادن مردم به جنگ در هر کوچه و برزن شهرها، به نوایی برسند! در این سناریو موضوعات جرم، قربانی، قاضی، متهم، خودی و بیگانه از قبل معلوم هستند. در عراق هم قربانیان یا "بیگانه" هایی بوده اند در "سرزمین آبا اجدادی" فلان جریان قوم پرست اسکان داده

نیست تا به عنوان ملك شخصی به دیگران فروخته شود، بلکه در حالتی از این قبیل ارتباط با منافع ملی دارد و هر فرد وظیفه دارد در راستای منافع ملی خود گام بر دارد.... این اظهارات صرفاً نوشته هایی نیستند که بشود از کنار آنها بسادگی گذشت. اینها میتوانند اسباب و مهمات بر پا کردن جنگیهای قومی، ساختن زراخانه های باشند که فردا مننیت جامعه و آسایش مردم را به تباهی بکشاند، نسلیها دهه ها سرنوشت مردم يك جامعه را رقم بزنند. طبق این سوژه "بیگانگان" از حق مسکن در فلان نقطه از آن مملکت به جرم اینکه سرزمین آبا اجدادی حزب دمکرات است محروم میشوند، قرار است

نشریه کردستان شماره ۴۳۱ ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، مطالبی کوتاه تحت عنوان "سیاست تغییر دموگرافی شهرهای کردستان ایران" منتشر کرده است. حزب دمکرات در این مطلب میگوید: از اصفهان و همدان مردم را میاورند شهر سندانج اسکان میدهند و امتیاز استخدام و خرید زمین و خانه را برایشان مهیا میکنند. و بزعم حزب دمکرات کردستان، مردم کردستان باید با آگاهی ملی به مقابله این سیاست بروند و "تحت هیچ شرایطی سرزمین آبا اجدادی خود را به بیگانگان ن فروشند"... می فرزند که! فروش زمین و خانه در هر حال يك امر خصوصی

صفحه ۳

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید!
به گارد آزادی بپیوندید!



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در صفحات دیگر
- اخبار مراسم های چهارشنبه سوری در شهرهای کردستان
- از قطعی شدن حکم زندان و محاکمه این یازده فعال کارگری جلوگیری کنیم!
- اعتراضات وسیع مردم پیرانشهر به جنایات نیروهای انتظامی

به مردم کردستان به مناسبت سال نو!

باید عزم جرم کرد و با نیروی متحد خود به زندگی و شریط اسفاری که به ما تحمیل کرده اند، خاتمه داد.

نوروز را جشن بگیریم. تلاش کنیم که سال جدید را به سال برکنند جمهوری اسلامی و بنیاد نهان دنیایی که در آن نفس آزادی و خوشبختی و رفاه انسان مینا است، تبدیل کنیم.

یک بار دیگر سال نو را تبریک میگویم و سال خوشی را برایتان آرزو میکنم.

حسین مراییگی (حما سور)
23 اسفند ماه 1384

فقر و فلاکت و فاشیسم اسلامی را در مقابل جامعه گرفته است. دولت آمریکا و دارو دسته های قومی و ماجراجویان سیاسی نیز جامعه ما را در موقعیت تاریخی بسیار خطرناکی قرار داده اند. این وضعیت مردم ایران و کردستان ایران را به سهم خود در مقابل وظایف تاریخی مهمی قرار داده است. متحد شوید، اتحاد و همبستگی خود را با دیگر صف رادیکال و سرنگونی طلب جامعه ایران در مبارزه برای آزادی و برابری و زندگی شایسته انسان بیش از پیش گسترش داده و تحکیم کنید.

سال جدید را امسال نیز مثل همیشه با نوروز شروع می کنیم. نوروز، روز شادی، روز خنده، روز خوشی و آرزوهای انسانی بنور از هر نوع ملیت و مذهب و قومیت و زبان غیره است. این روزها باید خندید، باید رقصید و شادی کرد و جمهوری اسلامی را در شادی و خنده خود دفن کنیم.

مردم آزادیخواه!

سال آینده نیز ما را راهی جز ادامه مبارزه و تلاش برای تغییر وضعیتی که در آن حتی خنده و شادی را نیز در قفس کرده اند، نیست. جمهوری اسلامی همچنان

کمونیزست در میان مردم در اطراف شهر مریوان و اعلام گارد آزادی، با دفاع از حقوق کودک، با برگزاری فستیوال آتم برفی ها در شهر سنندج و در دیگر شهرها و سرانجام همین چند روز پیش با برگزاری روز جهانی زن در شهر سنندج و دهها شکل دیگر از مبارزه و اعتراض در متن فقر و فلاکت و بی حقوقی مطلق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ای که حکومت اسلامی به مردم در کردستان و در سراسر ایران تحمیل کرده است، پشت سر گذاشتیم.

مردم آزادیخواه!

سال نو را از طرف کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست تبریک میگویم. مردم آزاده! سال گذشته را ما با نظاهرات و اعتصابات کارگران شهر سنندج، با برگزاری اول مه که در آن پیام طبقه کارگر برای لغو استثمار انسان از انسان و ایجاد جامعه ای آزاد و برابر در جامعه ایران پیچید، با اعتصاب عمومی و یک پارچه مردم شهرهای کردستان در مقابل جمهوری اسلامی، با حضور رهبران

را رقم میزده است، دورنمایی بوده است که بشر علیه جهالت و تعصبات قومی و ملی و مذهبی، صفحات درخشانی از تعالی خود را به ثبت رسانده است. ما میتوانیم از حقه تاریخ نویسی به سبک سیستم مهندسی نظم نوین بوش جلوگیری کنیم، ما میتوانیم اجاز ندهیم که از جهالت های قومی و مذهبی بر ایمان هویت بتراشند و ماشین پاکسازی های خونین قومی و مذهبی و نفرت پرکنیهای جنون عملیات انتحاری را تحت هدایت آنها و برای "آزادی" از سطره "توتالیتر"ها به روشی که در یوگوسلاوی انجام شد و در عراق میبینیم، به خورد ما بدهند. در پس مرگ میلوسویچ و تعابیر دنیای سیاستمداران نظم نوین و مفسرین ژاندارم بازی آمریکا از این مرگ، میخواهند تاریخی از جعل و سالوسی و دروغ و ریا را به جهان ما قالب کنند. این را نباید اجازه داد. نباید اجازه دهیم که اینها سرنوشت ما و جامعه را تعیین کنند و بر ایمان تصمیم بگیرند. نباید مرعوب این تعرض جنون آمیز معماران نظم نوین شد.

۱۳ مارس ۲۰۰۶

پرتاب جهالت قومی و مذهبی تا حد قانون و سیاست گذاری و مبنای روابط انسانها برای یک جامعه دارای تاریخ و موازین مندی، مزدور استخدام کردند، بسیج کردند و پول بخش کردند و تبلیغات شبانه روزی سازمان دادند. در مقام ژاندارم و پلیس خوندگمارده رفتند مملکتی را به اشغال خود در آوردند و گلوی مردمی را که سالیان سال با همیگر در صلح و آرامش زندگی میکردند، فشرند. مردمی که کشور خود را از سلطه فاشیسم آزاد ساخته بودند، پیشرفتش دادند و صنعتی اش کردند و تکامل بخشیدند، از هم فروپاشانند. و اکنون با تفاسیرشان از مرگ میلوسویچ، میخواهند بگویند ما هم باید به این تاریخ سازی و تاریخ نگاری آنها عادت کنیم. میخواهند بگویند که ترور و جنایت بر اساس جهالت قومی و مذهبی و ملی و تعصب لتیکی انگار هویتی است که ما باید به آن خو کنیم و گریزی از آن نداریم. وقتی سقوط سرمایه داری دولتی اردوگاه شوروی را به عنوان فروپاشی کمونیسم جشن گرفتند، میدانستند با تعرض به کمونیسم و آزادیخواهی چه لجزاری را برای جامعه انسانی تارک دیده اند.

در همین دنیای ما نورنهایی بوده اند، که انسانیت و آزادی و آزادیخواهی دنیای عواطف انسانها

دیروز و ایران در فرادهای احتمالی هستند. طنز تلخ و گزنده تاریخ این است که معماران سازماندهی بی سابقه ترین هجوم به مدنیت جوامع بشری، در مقام ریاست جمهور و وزیر خارجه و سیاستمدار و ژنرال ارتش دنیای کنونی ما، علیرغم پرونده قطورشان در جنایت علیه بشریت، راست راست راه میروند، و هنوز وعده تکرار جنایات بیشتری میدهند. تلخی شکنجه آور این وارونگی آزار دهنده این است که جایان و بانیان سقوط مبنای حقوقی و مندی دنیای ما و سازمان دهندگان تعرض افسار گسیخته به روان و عاطفه جامعه بشری، در مقام منجی و "آزاد کننده" و قاضی و داور تاریخ نیز ظاهر شده اند، در منصب دولتمرد نطق و سخنرانی و ارشاد میکنند و انحصار دستگاه مهندسی افکار و انگیزشیون سیستم نظم نوین را در چنگ خود در گرفته اند. مرگ میلوسویچ و تعابیر مقامات رسمی دنیای سیاست و دیپلوماسی عصر "اکثرین نظم نوین" از عدالت و حقوق مندی انسان، گوشه ای از این تناقض کشنده را نشان داد. آمدند از هویت جعلی و خرافی و وارونه قومی و مذهبی انسانها، ارتشهای پاکسازیهای خونین و معماران گورهای جمعی سازمان دادند، آمدند برای هموار کردن

سازمانهای قوم پرست و شبه فاشیستی شبیه جبهه کوسوو و جبهه مقدونی و بمباران بی رحمانه بلغراد توسط ارتش و بمب افکنهای ناتو که یک کشور اروپایی و صنعتی و مدرن امروزی را به دوران نفرت ها و انتقامجویی های قبیله ای و مذهبی سقوط دادند، به عنوان "آزادی" در بوق و کرنا کردند. مسئولیت مستقیم راه اندازی کثیفترین نیروهای قومی و سازماندهندگان بی رحمانه ترین پاکسازیهای قومی و مذهبی بر عهده دول معظم عضو ناتو و در رس آنها آمریکاست. اینها، بولدوزرهای حقیقی زیر و رو کردن شیرازه مدنیت جامعه یوگوسلاوی و بمباران جنایتکارانه بلغراد و مسئول مستقیم تجزیه یوگوسلاوی و خون پاشیدن به این جامعه اند. پیاده کردن نظم نویسی که اینها در سال ۹۱ با عراق شروع کردند و در با یوگوسلاوی ادامه دادند و در عراق امروز باز سر گرفته اند، هر روز و هر ثانیه انسانیت و مدنیت و حق حیات انسان را نشسته گرفته است. بانیان نظم نوین مسئول تولید و محرک سربر آوردن جوخه های مرگ عملیات انتحاری اسلامی و منشا بسیج و سازماندهی کثیفترین دستجات پاکسازیهای قومی در عراق امروز و یوگوسلاوی



همین است. منبهم و اسیر و زندانی بیمار و در خطر مرگ، هر اندازه جنایتکار و مجرم و در معرض اتهام، از حق مندی اش محروم ماند تا در سلول انفرادی اش بمیرد. تعیین تکلیف با حکومت میلوسویچ، دیکتاتور بود یا "توتالیتر" و یا از بقیای "استالینسم"، ربطی به ناتو و بوش و برلنداشت. او در پروسه ای که بسیار دمکراتیک تر و آزادتر از انتحالی بود که در آن امثال بوش و بلر به ریاست میروند، به عنوان رئیس جمهور کشور یوگوسلاوی برگزیده شده بود. صاحبان نظم نوین، اما، آمده بودند که بگویند آمریکاز ژاندارم جهان است و کخند و زندانبان و شکنجه گر دست بر ماشه و خوندگمارده مردم در هر گوشه جهان.

اما جنبه "سیاسی" مرگ میلوسویچ، قبل از هر چیزی، سالوسی و ریاکاری دنیای "عدالت" و دمکراسی بازار آزاد سرمایه داری و موازین وارونه دیپلوماسی بورژوازی را نیز برجسته کرد. مقامات رسمی دولت آمریکا پس از پخش خبر مرگ میلوسویچ گفتند که او "عامل اصلی تجزیه یوگوسلاوی در سالهای دهه ۱۹۹۰ بوده است". و به این ترتیب نقش سازمان سیا و پنتاگون و ناتو در راه اندازی



سال نو را به شما تبریک میگوییم!

زنده باد شادی مردم!

زنده باد زندگی!

اکتبر



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

اعتراضات وسیع مردم پیرانشهر به جنایات نیروهای انتظامی

اند. کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن محکوم کردن جنایت رژیم، مردم مبارز پیرانشهر را به اعتراض جدی علیه جمهوری اسلامی و با خواست آزادی کلیه دستگیرشدگان فرامیخواند. جمهوری اسلامی با کشتار مردم بیگناه میخواهد ما را به سکوت وادارد. در مقابل قلدری و توحش آنها و در دفاع از آزادی و برابری باید متحدانه دست به اعتراض زد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۲۰ اسفند

نیروهای رژیم مستقر در ستاد انتظامی درگیر و به این ستاد حمله میکنند. مزدوران رژیم به مردم تیراندازی کرده که تعدادی از آنها زخمی میشوند. مردم نیز ۲ خودرو نیروهای انتظامی را در این خیابان به آتش میکشند. در خیابان بهشتی بعد از حمله به ستاد نیروی انتظامی مردم مبارز به پاسگاه شماره ۲ که به پاسگاه "کهنه خانه" مشهور است حمله میکنند و اینجا نیز درگیری تندی میان نیروی انتظامی و مردم صورت میگیرد. درگیری و تظاهرات تا ساعت ۶ بعد از ظهر به شدت ادامه پیدا میکند و بعد از آن مردم کم کم پراکنده میشوند. در جریان این درگیریها تعداد زیادی از جوانان و مردم معترض دستگیر میشوند و حداقل ۹ نفر از مردم زخمی میشوند. اخبار و شایعات در میان مردم حاکی از این است که چند نفر از مردم در این ماجرا کشته شده

ابتدا تلاش میکنند با مقابله و تیراندازی مردم را متفرق کنند. مردم معترض با چوب و سنگ و هر چه دم دست داشته اند به تقابل میپردازند و نیروی انتظامی را فراری میدهند. نیروهای رژیم مجبور میشوند به قرارگاههای خود بخرزند. مرتب بر تعداد تظاهر کنندگان اضافه میشود و درگیری همه جا ادامه پیدا میکند. نیروی کمکی از شهرهای نرده و اشنویه از نیروهای گارد ویژه و سپاه به پیرانشهر میروند و صدای تیراندازی همه جا شنیده میشود. مردم در مسیر تظاهرات خود به بانک ائثار المسلمین حمله میکنند و آن را به آتش میکنند. همچنین در حمله به فرمانداری و بانکهای کشاورز، ملی و صادرات و چند مرکز دولتی دیگر درب و شیشه آنها را در هم میشکنند. تظاهرات مردم در خیابان بهشتی ادامه داشته و در همین محل با

امروز شنبه ۲۰ اسفند ۱۳۸۴ برابر با ۱۱ مارس ۲۰۰۶، شهر پیرانشهر میدان اعتراضات وسیع و درگیری مردم مبارز این شهر با نیروهای انتظامی بود. ماجرا از این قرار است که صبح امروز نیروهای انتظامی یک نفر کاروانچی از اهالی روستای "شیخان" اشنویه، در مرز نمرچیان پیرانشهر توسط نیروی انتظامی کشته میشود. با انتقال جنازه مقتول به شهر پیرانشهر از ساعت ۳ بعد از ظهر اعتراضات مردم به این جنایت شروع میشود مردم خشمگین در شرایطی که با صدای بلند علیه جمهوری اسلامی شعار میدادند، با نزدیک شدن به کیوسک پلیس در فلکه سرنشست به آن حمله میکنند و کیوسک را به آتش میکنند. بدنبال تظاهرات به خیابانهای اصلی شهر کشیده میشود. مزدوران رژیم

چهارشنبه سوری در سنندج!



ادامه داشت.

جمهوری اسلامی که کارش ضدیت با هرگونه شادی و آزادی مردم است امسال در مقابل موج وسیع ابراز وجود آزاده و شاد مردم عقب نشست و فقط به تماشاگری اکتفا کرد. از امروز تا نوروز را مردم برای جشنهای بزرگتر و شاد روزهای نوروز آماده میشوند.

نوروز به همگی مبارک باد

شهرام و آیدا
سه شنبه 23 اسفند
(چهارشنبه سوری)

از امروز بعد از ظهر مردم شهر بزرگ و کوچک از خانه بیرون زدند و خود را برای آتش روشن کردن آماده نمودند. بزرگترین تجمعات در جاده صلوات آباد و محله خانقا در بلوار خسرو آباد بود که از جمعیت موج میزد و آتشیهای بزرگی بر پا بود. مردم به شادی و پایکوبی میپرداختند.

از بعد از ظهر امروز مأموران انتظامی و لباس شخصی همه جا پخش شدند اما با مشاهده جمعیت وسیع مردم و شادی آنها کاری از دستشان ساخته نبود و حتی تظاهر به شریک شدن در شادی مردم میکردند. اما جوانان تا توانستند آنها را دست انداختند و مسخره شان کردند. آتش بازی و شادی مردم تا ساعتی از شب

تبلیغ پاکسازی قومی... از ص ۱

شده اند، و درجه غلظت فلان قوم و قبیله را کم کرده است و یا "کافر و ملحدانی" هستند که از "خلوص" مذهب آن یکی شیخ و قلندر کاسته است. .. روشن است طبق این سناریو، قرار است قهرمانان ۷۵ میلیون دلاری، کریپورهای سیا و پنتاگون، به امید کروز و بسته های خونین حقوق بشر بوش، مردم اصفهان و همدان را بیگانه گان مردم سنندج قلمداد کنند تا بذر نفاق و کینه قومی را بپاشند. هرچند، مردم سنندج و شهرهای کردستان ایران هیچگاه احساس هم سر نوشتی خود را با سایر مردم ایران در عمل و زندگی و مبارزه خود از دست نداده اند، و همیشه مبارزه برای ساقط کردن نظام اسلامی با شعار آزادی و برابری در اصفهان و سنندج امیدی بوده است برای

مهمات تحمیل کردند؟ مگر مخاطرات گسترش چنان تجربه تلخی بصورت ابعادی وحشتناک بر زندگی مردم در اوضاعی که سیاست جنگ افروزی دولت آمریکا بر بخشی از منطقه و جهان سایه شوم خود را گسترانیده است نمی تواند خطر جدی و هشدار دهنده باشد؟ مردم باید متشکل و متحد شوند، باید در مقابل این تبلیغات زهر آگین که میتوانند پایه عملی شدن جنگهای قومی و گورهای جمعی و نسل کشیهای فردا باشد، قاطعانه بایستند. مردم باید خود دست بکار شوند، باید همین امروز جنبید، خوشحیالی و بی خیالی و تردید می تواند فردا ما را در یک قومی این کلبوس قرار دهد. از تبلیغات فاشیستی تا گورهای جمعی فاصله چندانی نیست، باید با تشکل و اتحاد این سناریو را غیر ممکن کرد.

منتشر کند، اظهارات "گوهر بار آتریهای اصیل" از کم شدن غلظت نوری شهر اورمیه را در کنار این چند نمونه قرار دهید، به عرب عرب کردن الاهاز گوش دهید، رهنمودهای "داهیاناه" سازمان مهندی را در چند سال قبل در باب تحریم زبان فارسی در مدارس را بیاد بیاورید و کمی سر را به آنطرف مرزها بچرخانید و اوضاع کرکوک و بغداد و فلوجه بغداد را خوب نگاه کنید، در آنجا متوقف نشوید و باز هم یوگسلاوی چند سال قبل، کشتار و جنگهای قومی صرب و کرات و جریانات قومی و نسل کشان تاریخ معاصر را مروری اجمالی کنید، تا قربت های غیر قابل تکراری که در مقابل آینده جامعه ایران و کردستان داده اند را به خوبی تشخیص دهید.

امید به تغییر و تحول مثبت، توقع از زیستن انسانی مطرح است، نمی شود این مردم را به جان هم انداخت. برای این منظور جامعه باید مستاصل شود. همانگونه که میکروبی برای رشد، جو مناسبی لازم دارد، همانگونه که آخوند در فضایی میتواند نیرو بسیج کند که خرافه و جهالت از سرو کول جامعه بالا رود، قوم پرستان هم زمانی میتوانند نفرت قومی را در قالب نسل کشی و گورهای جمعی عملی کنند که مردم مستصل و در مانده شده باشند، که نفرت و تفرقه به اوج رسیده باشد.

آینده جامعه ایران، اما این از مخاطرات مسله کم نمیکند، مردم یوگسلاوی هم فکر نمیکردند زمانی به این سرنوشت دچار شوند. مسله این است که انتخاب شهرهای کردستان و مخصوصا سنندج برای این کیس، هراس جدی و در واقع "تعرضی" است به نفوذ کمونیسم و آزادیخواهی در این شهرها. در جامعه کردستان چپ قوی است، کمونیسم حرکتی است اجتماعی برای تغییر، کمونیستهای این جامعه در سیاست نخالت میکنند. در سرنوشت جامعه مسول هستند.

نکته دیگر این است که با شرایط متعارف، با مردمی که در سنندج و همدان و اصفهان، یکصدا آزادی میخوانند، راه میخوانند، هشت مارس بر گزار میکنند، برابری میخوانند، از مبارزه کارگر شرکت واحد حمایت میکنند و.. در جامعه ای که امید به آینده بهتر،

مگر همین طیف هائونید که ۲۶ سال پیش در نرده جنگی خونین و هراسناک بر مردم آن شهر با همین

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست علیرغم تلاشهای جمهوری اسلامی مردم وسیعا به استقبال چهارشنبه سوری رفتند!

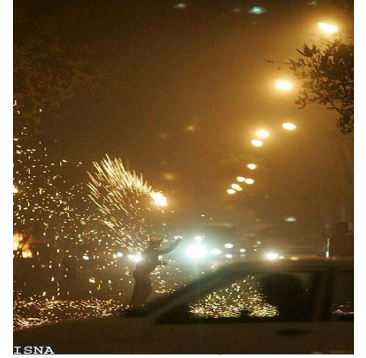


کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری
ایران حکمتیست
۲۳ اسفند ۱۳۸۴ (۱۴ مارس ۲۰۰۶)

جانان و آتمکشان حکومت اسلامی با تمام تلاشها و تدابیر امنیتی که به کار برنند نتوانستند مانع جوانان و مردمی شوند که تصمیم گرفته بودند در تقابل با اقدامات ضد انسانی نیروهای رژیم، در چهارشنبه سوری محلات و خیابانها را مال خود کنند. امروز در شهرهای مختلف صدای خنده و شادی، صدای ترقه و هل هله مردم دیوار توحش اسلامی را ترکند. امروز مردم نشان دادند که جمهوری اسلامی را نه تنها نمیخواهند، بلکه از آن عمیقاً متنفر هستند. چهارشنبه سوری بهانه ای شد تا جوانان، زنان و مردم آزادیخواه نفسی بکشند، به کوچه و خیابان بیایند، احساس قدرت کنند و هر آنچه نشانه تحجر اسلامی است از روسری تا جدا سازی و تا فضای مرثیه و مرگ را کنار بگذارند و شاد باشند. مادر کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن تبریک صمیمانه سال نو به جوانان و مردم، خود را در شادی آنان شریک میدانیم و به مردم مبارز این شهرها درود میفرستیم.

روز قبل در کوچه و خیابانهای شهرها رفت آمد بودند و همه جا پخش و تلاش میکردند فضات رعب و وحشت بوجود بیاورند، هر چند امروز سه شنبه ۲۳ اسفند با تمام نیرو و تجهیزات کامل در شهرها به گشت زنی پرداختند و خیابانها و میدانهای شهرها را به کنترل خود در آورند، اما مردم همه جا اوامر آنان را زیر پا نهادند.

شهرهای مختلف سنج، مریوان، کامیاران، پاوه، سقز، بوکان، مهاباد، سردشت، پیرانشهر، اشنویه، نقده و... همه جا اوامر حکومت اسلامی و قوانین آنها زیر پا گذاشته شد. ابتدا از محلات شروع شد و از ساعت ۴ بعد از ظهر دسته دسته جوانان دختر و پسر، زنان و مردان آزادیخواه به کوچه های این شهرها ریختند و به شادی و آتش بازی پرداختند. ترقه هوا کردند و هل هله و خنده سر دادند. در کوچه های شهرها هزاران دختر ضمن بر داشتن روسری این نماد برنگی زن همراه با پسران دست در دست هم به شادی و رقص و پایکوبی پرداختند.



امروز شهرهای مختلف در کردستان شاهد شادی و سرور و آتش بازی و تجمعات بزرگ و کوچک جوانان و مردم بود. تدابیر و تلاشهای امنیتی این نظام ضد شادی و آزادی برای ممانعت از جشن و شادی مردم و اعلام رسمی ممنوعیت هر نوع شادی و آتش بازی راه به جایی نبرد. علیرغم اینکه ماموران نیروی انتظامی و اطلاعاتی از چند

از قطعی شدن حکم زندان و محاکمه این یازده فعال کارگری جلوگیری کنیم! (محمد محمدی)

طبقه کارگر و جریانات کمونیست و چپ جامعه، یعنی عقب نشینی جنبش آزادیخواهی مردم. با به زندان رفتن کارگران معلوم خواهد شد که سکتاریسم چه ضربه ای جبران ناپذیری به مبارزات کارگران وارد خواهد کرد که جبران این خطاها به اسانی امکان پذیر نخواهد بود. به همین خاطر زمان آن فرا رسیده است بدون در نظر اختلافات سیاسی موجود در این کیس مشخص، تمام جریاناتی که منافع گروهی برایشان مهم نیست، منافع طبقه کارگر ایران را در اولویت کاری خود قرار دهند. باید از هر گونه تنگ نظری و خود پرستی پرهیز کرد. نگذاریم جمعی برای مطرح کردن تشکل و یا آنجمنهای بی ارتباط به منافع طبقه کارگر، کارگران را فدای اسم و رسم کاندب خود کنند. کارگران شرکت واحد و کارگران سقز در حد توان به مبارزات جنبش خود را ادامه داده اند، فعالین چپ و مدافعان طبقه کارگر باید به وظیفه خود عمل کنند.

داشتن تنور مبارزه این حکومت ارتجاعی را وادار کرد حکم محکومیت کارگران سقز را ملغا و فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد را آزاد کند. باید بار دیگر تمام احزاب سیاسی، و انجمنهای آزادیخواه در خارج از کشور در برابر سفارت خانه های جمهوری اسلامی تجمع و به حکم زندان و دستگیری اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و حکم زندان کارگران سقز اعتراض کنند. هنوز مسئله دستگیری و محاکمه کارگران یکی از مسائل مهم جنبش کارگری و مردم آزادیخواه امروز است. اما هنوز کافی نیست به دلایل مختلف اعتراض به دستگیری و محاکمه کارگران سقز و کارگران شرکت واحد هر چند روز یک بار فروکش و به فراموشی سپرده می شود. گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است. مدافعان جنبش کارگری نباید فراموش کنند به محاکمه کشیدن و زندانی شدن این فعالین یعنی پیشروی جمهوری اسلامی، یعنی به عقب نشینی و لاشتن طبقه کارگر، یعنی حکم شدن جو رعب و وحشت بر مبارزات کارگران، پیشروی جمهوری اسلامی یعنی عقب نشینی

تشکل مستقل کارگری را ندارند. گشتاپور به کارگران و مردم آزادیخواه یورش برده و ده نفر از این کارگران را دستگیر کردند. با دستگیری این جمع اعتراض و مبارزه همه جانبه کارگران و آزادیخواهان داخل و خارج کشور بر علیه یورش به مراسم و بازداشت فعالین کارگری شروع شد. همان موقع به غیر از 7 نفر از کارگران بقیه دستگیر شدگان را آزاد شدند. این هفت نفر را مدتی در زندان و بعد با وثیقه های سنگین از زندان آزاد شدند. قطعاً این یازده نفر فعال کارگری از جمله افرادی خواهند بود که جمهوری اسلامی برای به عقب نشینی واداشتند مبارزات کارگران و دیگر مردم آزادیخواه زندانی خواهد کرد. جمهوری اسلامی تا حال نشان داده است که به افکار مردم و مجامع بین المللی بی توجه است. خود سری و پایبند نبودن جمهوری اسلامی به قوانین بین المللی و به منافع مردم برای همه به اثبات رسیده است. نباید انتظار داشت جمهوری اسلامی به این آسائیهها به خاسته های کارگران و مردم به جان آمده گردن نهد، باید با فعالیتهای پیگیرتر از قبل و گرم نگاه

اصانلو را مجروح و مدارک و اسناد سندیکای کارگران شرکت واحد را غارت کردند. با وجود تمام این فشارها کارگران مبارز شرکت واحد مصمم به راه اندازی دوباره سندیکا و دفاع از حقوق خود بودند. جمهوری اسلامی تحمل دفاع علنی کارگران از سندیکا و اعتراض به لپمال شدن حقوق و مزایایشان را نداشت به این خاطر، بدون توجه به اعتراضات بین المللی کارگران و مردم آزادیخواه جهان سرکوب و دستگیری فعالین کارگری را بیش از قبل شدت بخشید. در پی اعلام اعتصاب کارگران سندیکای شرکت واحد جمهوری اسلامی بیش از هزار نفر از کارگران و فعالین اصلی سندیکا، دانشجویان حامی کارگران را دستگیر و مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار داد. بعد از مدتی به غیر از شش نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکا بقیه را با وثیقه از زندان آزاد کرده است. کارگران و فعالین کارگری سقز هم که در سال 83 تصمیم به برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه گرفته بودند توسط ماموران امنیتی و مسئولان جمهوری اسلامی که به هیچ وجه تحمل برگزاری مراسم و

کارگران شرکت واحد و کارگران سقز حلقه اتصال و ناگسستگی مبارزات سراسری کارگران ایرانند!

هزاران نفر از کارگرانی که سالها تحت شدید ترین سرکوب های صنفی و امنیتی قرار داشتند تصمیم به باز سازی سندیکای کارگران شرکت واحد گرفتند. در مدت کم اکثریت کارگران این شرکت به عضویت این سندیکای در آمدند. رژیم منفور اسلامی، اوپاشان خانه کارگر و شورای اسلامی کار وقتی دریافتند که کارگران معترض دارند دوباره تشکل مستقل خود را باز سازی میکنند، توطئه چینی خود را شروع کرده و علناً فعالین این عرصه را ضد انقلاب و وابسته به بیگانه معرفی کردند. حتی با فعالین سندیکا و دبیر هیئت مدیره بر خورد فیزیکی کردند. وحشت از تشکل مستقل کارشان را به جای رساندن که حسن صادقی و محبوب از سردمداران خانه کارگر و از جیره خواران اصلی نظام خود به مقابله با کارگران شرکت واحد برخاستند. اوپاشان خانه کارگر شعبان بیمخهای جمهوری اسلامی در حضور صدها نفر از مردم به روی کارگران قه کشیدند.

تماس با ما:

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی
esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:
h_moradbiegi@yahoo.com
Tel: 0046762737560

سردبیر:
sharifi_abdollah@yahoo.com
Tel: 00467365226

به حزب کمونیست کارگری- حکمتیست بپیوندید!